از امام زمان(عج) چه بخواهیم؟

پدید آورنده : عبدالحسن ترکی ، صفحه 22

|  |
| --- |
| یک روز در مجلس درس سیّد، یکی از حاضرین سئوال کرد: «آیا در [عصر] غیبت امکان دارد کسی تشرّف حاصل بکند؟ سیّد سرش را زیر انداخت، گویا با خودش صحبت می کرد، سپس گفت: «ما اجیب له و قد ضمنّی ـ صلوات الله علیه ـ الی صدره؛6 من به این آقا چه پاسخی بدهم و حال آنکه حضرت مرا به سینة خود چسباندند.  **شرح زندگانی**  آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی (ره) به سال 1298 در خانواده ای اصیل و مذهبی متولد شد و بنا به نقلی از نوادگان محدّثِ بزرگ ملاّ صالح مازندرانی ـ شارح کافی ـ است.  پدر ایشان با آنکه اهل علم نبود، امّا مرد مؤمن، متّقی و آشنا به مسائل بود. کسانی که ایشان را می شناختند به تقوا و پارسایی آن مرحوم اعتقاد داشتند. وی با مرحوم علاّمه امینی، خیلی مأنوس بود و به ایشان خیلی علاقه داشت، متقابلاً علاّمه امینی هم به ایشان لطف داشتند.  آیت الله صافی پس از فرا گرفتن دروس مقدماتی و مقداری از تحصیلات جدید به تشویق و ترغیب یکی از علمای اصفهان، در سن 18 سالگی جهت کسب علوم دینی به حوزة علمیّه راه یافت و با دانش اندوزی در حوزة علمیّه اصفهان و سپس قم، بالاخره در محرّم سال 1322 رهسپار نجف اشرف شد. وی حدود 27 سال در جوار مقدّس امیرمؤمنان(ع) به تحصیل، تدریس و تهذیب اخلاق پرداخت و سرانجام به درخواست جمعی از اهالی اصفهان و بنا به توصیه آیت الله العظمی خویی(ره) به زادگاه خویش بازگشت. ایشان پس از رحلت آیت الله خادمی، به رغم میل باطنی، ریاست حوزه علمیّه اصفهان را عهده دار شدند.  آن فقیه فقید، همواره در پی تهذیب اخلاق و کسب معارف حقیقی اهل بیت(ع) بود. ایشان علاوه بر تدریس سطوح بالای فقه و اصول، عنایت ویژه ای به کسب و ترویج معارف اهل بیت(ع) داشت. وی رکن اساسی مذهب تشیّع را علاوه بر کسبِ علوم ظاهری در اتّصال به باطن ولایت می دانست تا بدان جا که خود توانست از مَحرمانِ راز حریمِ انس الهی گردد.  **· معرفی استادان**  این فقیه اهل بیت سطوح عالی فقه و اصول را از دروس آیات عظام: خویی،· حکیم،· سیّد عبدالهادی شیرازی،· سیّد جمال الدین هاشمی گلپایگانی،· و تنی چند از عالمان عامل دیگر فرا گرفت.  از آیت الله صافی تألیفات و آثاری چند بر جای مانده که،· از آن جمله است: الهدایة فی علم الاصول در 4 جلد،· و ترجمة کتاب نقد فلسفه داروین (2 جلد)،· مقداری از تقریرات فقهی و هم چنین درس های اقتصاد تطبیقی و دروس خارج فقه،· اصول،· رجال و درس های اخلاق و معارف.  سرانجام آن استاد علاّمه در صبح گاه جمعه هفتم مهرماه 1374 ندای حضرت حق را لبیک گفت و در پی تشیع با شکوهی در مقبرة علاّمه مجلسی به خاک سپرده شد.1 روحش شاد.  روش مرحوم آیت الله صافی در دروس اخلاقی،· این بود که در کنار بیان مسائل،· در میان یا پایان بحث،· به نحوی دل ها را متوجّه حضرت ولی عصر(ع) می نمود و یادی از آن حضرت می کردند. کمتر محفل و مجلسی برگزار می شد که ایشان از این مهم غفلت نموده باشند.  این موضوع در سلسله درس های اخلاق و معارف که از ایشان با عنوان شوق وصال در 2 جلد به چاپ رسیده،· کاملاً آشکار و هویدا است.  در کتاب لاله ای از ملکوت یادنامة عارف دلسوخته مرحوم حاج جعفر آقای مجتهدی،· به نقل از آیت الله زاده صافی آمده است:  در یکی از سفرهای حج که مرحوم پدر می خواستند از تهران مشرّف شوند،· در بین راه جهت زیارت حضرت معصومه(س) و خداحافظی با آقای مجتهدی به قم آمدند،· در آنجا آقای مجتهدی بشارت تشرّف خدمت امام عصر(ع)،· و شناخت آن حضرت در حین تشرّف را به پدر دادند. هنگام مراجعت از مکّه،· وقتی از ایشان پرسیدم: آیا مطالب آقای مجتهدی به وقوع پیوست؟ از جواب دادن امتناع کرده،· فرمودند: «به این کارها،· کاری نداشته باشید».2  در این نوشتار به جهت یادی از آن عارف وارسته و عاشق شیدای امام زمان(عج) نکته هایی نورانی از مباحث و سخنرانی های ایشان را به ترتیبی کنار هم نهادیم تا شکل یک گفتار منسجم را پیدا کرد و آن را با طلب شادی برای روح آن استاد خلاق و فقیه اهل بیت(ع) به خوانندگان فرهیختة موعود تقدیم می نماییم. باشد که مورد قبول تان واقع گردد.  **ولایت خدا بر صالحان**  خداوند متعال می فرماید:  اِنّ ولیـّی الله الّذی نزّل الکتاب و هو یتولّی الصالحین والّذین تدعون من دونه لا یستطیعون نصرکم و لا أنفسهم ینصرون.3  ولی و سرپرست من آن خدایی است که این کتاب را نازل کرد،· و او همة صالحان را سرپرستی می کند و آنهایی را که جز او می خوانید،· نمی توانند یاری تان کنند،· و حتّی خودشان را هم نمی توانند یاری دهند.  بحت ما دربارة [عوامل] تکامل انسان و عوامل انحطاط و وقوف او است. انسان از ابعاد مختلف،· تکامل دارد؛ مرز آن هم انسانیّت و عمل صالح است. کسی که از «صالحین» باشد موحّد است و مقام توحید و مقام ولایت دارد و کسی که از «طالحین» باشد،· مُشرک است. ممکن است شرک خفی داشته باشد؛ مثل هواپرستی،· جاه پرستی،· مقام پرستی،· خودپسندی. اینها همه از رذایل اخلاقی و از معاصی است. امّا وقتی این [رذیلت ها] از بین رفت و مصداق صالحین شد،· آن وقت است که از مناجات حق لذّت می برد،· آن وقت است که جمال حق را مشاهده می کند. وقتی انسان پا را در دایرة ولایت نهاد «یتولّی» روی او می آید.  آیة شریفه « إنّ ولییّ الله الّذی نزّل الکتاب و هو یتولّی الصالحین» ناظر به همین معناست؛ یعنی همان که قرآن را نازل کرده،· همان «ولیّ صالحین» است. همه بندگانِ صالح خدا،· تحت ولایتِ خدا هستند. شعبه و شعاع این ولایت هم حجّت وقت است. عنایت امام زمان(ع)،· عنایت خداست. اطاعتِ او اطاعت خدا،· و محبّت او محبّت خداست. اگر انسان عبد صالح خدا شد،· حتماً و حتماً با حضرت پیوند برقرار می کند و حتماً الطاف خاصّة حضرت شامل حالش می شود،· دعایش می کند و چه مقامی بالاتر از اینکه انسان مورد عنایت ولی الله واقع شود: «و هو یتولّی الصالحین» یعنی خدای متعال به وسیلة حجّت وقت،· ولی ّ خدا،· امام زمان،· عهده دار رهبری او می شود و همة فیوضات به واسطة حجت وقت از مبدأ فیّاض علی الاطلاق افاضه می شود و مهم ترین فیوضات،· همان فیض هدایت،· فیض رهبری و دستگیری معنوی است.  اگر انسان وارد مرز صالحین شد و مصداق آن گردید،· حتماً ارتباط خصوصی با امام زمان(ع) پیدا می کند. حال چه بفهمد،· چه نفهمد «تشرّف روحی» اش قطعی است. چه «تشرّف جسمی» حاصل بشود یا نشود. وقت تشرّف چه حضرت را بشناسد یا بعد بشناسد. اصل همین است که پیوند برقرار شود. وقتی رابطه برقرار شد تدریجاً محکم هم می شود [آن وقت] هم «محبّ» می شود و هم «محبوب»؛ هم محبِّ امام زمان(ع) می شود و هم محبوب آن حضرت. خدا صالحین را دوست دارد. امام زمان هم صالحین را دوست دارد. وقتی امام زمان(ع) کسی را دوست داشته باشد،· از او دستگیری نمی کند؟ آیا به او کمک نمی کند؟ قلب او را هدایت نمی کند؟ وقتی انسان محبوب او شد،· مصونیّت پیدا می کند و این مصونیّت لازمة آن محبوبیّت است. وقتی دست امام زمان(ع) روی سر انسان آمد،· نمی گذارد شیطان او را به دام بیندازند [آنگاه «محفوظ» می شود] فرق «محفوظ» با «معصوم» در این است که معصوم خطا و اشتباه نمی کند اما این شخص اشتباه می کند امّا از گناه «محفوظ» است. اشتباه می کند،· امّا پیرامون گناه نمی رود و از گناه مصون و محفوظ می شود.  حجّت وقت و ولیّ امر که مظهر رحمتِ واسعة حق است از معصیت بندگان خدا ناراحت می شود. در حدیث داریم: «لا تسوؤا رسول الله4؛ رسول خدا را ناراحت نکنید». به این معنا که معصیتِ خدا را نکنید تا پیغمبر خدا ناراحت شود. امام زمان هم همین طورند؛ یعنی اگر ما معصیت کردیم،· امام زمان(ع) ناراحت می شوند. برعکس اگر رو به خدا رفتیم،· ایشان مسرور می شوند. به هر حال باید حضرت را خوشحال کنیم تا مشمول عنایت آن حضرت قرار گیریم. در آن صورت حضرت کمک مان می کنند کما اینکه کمک کرده اند.  **· راه های جلب توجّه امام زمان(ع)**  جلب توجّه مهدی فاطمه(ع) راه دارد. خدا می داند امام زمان خیلی رؤف اند و زود می شود توجّه شان را جلب کنیم. سلام،· جواب دارد،· بی جواب نیست. اگر کسی جدّی به کسی سلام کرد،· جواب هم می شنود. ما در نمازهایمان،· دستِ کم،· روزی پنج مرتبه می گوییم:  «السّلام علینا و علی عبادالله الصّالحین» آیا امام زمان هم این سلام را در نمازشان می فرمایند یا نه؟ بله! امام زمان هم این سلام را می فرمایند و به بندگان صالح خدا،· سلام می دهند. حضرت به [همة] واجبات و متسحبّات عمل می کنند. اصلاً سلامِ کامل و تمام عیار را حضرت(ع) می دهند. این «السّلام علینا و علی عبادالله الصالحین،· یعنی چه؟ یعنی سلام بر ما و همة بندگان صالح خدا! یک وقت است من و شما این سلام را می گوییم،· یک وقت امام زمان(ع). پس بندگان صالح در همین دنیا مشمول سلامِ حضرت ولی عصر(ع) می شوند.  اگر ما به امام زمان(ع) دعا کنیم،· حضرت هم به ما دعا می کند. دعای امام زمان مُستجاب است از خدا بخواهیم «اللهمّ هب لی رأفته و رحمته و دعاه...»5؛ خدایا مرا مشمول رأفت،· رحمت،· و دعای امام زمان(ع) قرار بده»!  روشن شدن قلب ها و طهارت دل ها که بر اثر محبّت خدا می آید،· به واسطة اتصال و پیوند به مقام ولایت است و راه آن توجّه است؛ توجّه مداوم. باید بگویم انسان بدون متوسّل شدن به حجّت وقت،· هیچ کاری نمی تواند بکند. اگر ارتباط بر قرار شد قلب نور می گیرد و انسان با نور و چراغ بهتر پیش می رود. انسان متوسّل با نور ولایت پیش می رود هر موجود ضعیفی حتماً باید تکیه گاهی و پناهگاهی داشته باشد که از او استمداد کند. انسان هم،· چون ضعیف آفریده شده حتماً باید در همة مطالب معتصم به حق و اولیای حق و معتصم به امام زمان(ع) باشد. امام زمان قدرتمندترین قدرتمندان در عالم امکان است،· واسطة فیض خداست،· تمام فیض ها به وساطت او باید افاضه شود. خدا از مجرای امام زمان(ع) خواسته است که مردم با او ارتباط داشته باشند. انسان اگر خواست با خدا و مقام ولایت اتّصال پیدا کند،· راه آن آسان است. خیلی آسان،· و آن توجه به خداست،· توجّه هم [امری] اختیاری است. همان لحظه که حقیقتاً در سرّ و قلبش به یاد خدا می افتد،· همان لحظه که توجه به امام زمان(ع) پیدا می کند،· همان وقت،· سیم متصل می شود. و روح مطلب و اساس کار همین برقراری ارتباط با خدا و اولیای خداست.  به قول آن آقایی که مرحوم شده و به خواب کسی آمده و گفته بود: «شما هم مثل من عمل کنید تا بعد از مرگ خوشتان باشد»،· پرسیده بود: چه کار کنم؟ گفته بود: پیوندتان را با امام زمان(ع) قرص و محکم بکنید،· توسّلات شما به امام زمان(ع) قطع نشود.  دو چیز را هم اسم برده بود که یکی از آن دو که الان در ذهنم هست،· نماز توسل به امام زمان(ع) بود که این نماز را حتماً بخوانید؛ مثل اینکه خود آن مرحوم این برنامه را داشته،· آن دیگری را فراموش کرده ام.  ولایت دو بُعدی است: از خصوصیات اهل تقوا این است که ولایت آنها دو بعدی است؛ یعنی به واسطة جذب محبّت و ولایت،· دو طرف نسبتِ به هم علاقمند می شوند. یعنی اگر شخصی متّقی و شیعة واقعی دوستدار امام زمان خودش باشد،· محال است که امام زمان او را دوست نداشته باشد. لذا می بینیم که ائمه(ع) نسبت به آنهایی که واقعاً اهل تقوا بودند چقدر اظهار محبّت می کردند و چقدر آنها را دوست داشتند. معامله هایی که با آنها می کردند که کاشفِ از این است که امام حدّ اعلای محبّت را نسبت به آنها داشته اند؛ مثلاً سیّد بحرالعلوم یکی از قضایایش که مولای سلماسی نقل می کند این است که می گوید:  یک روز در مجلس درس سیّد،· یکی از حاضرین سئوال کرد: «آیا در [عصر] غیبت امکان دارد کسی تشرّف حاصل بکند؟ سیّد سرش را زیر انداخت،· گویا با خودش صحبت می کرد،· سپس گفت: «ما اجیب له و قد ضمنّی ـ صلوات الله علیه ـ الی صدره؛6 من به این آقا چه پاسخی بدهم و حال آنکه حضرت مرا به سینة خود چسباندند.  تا محبّت نباشد چنین چیزی می شود؟ این چقدر عنایت است؟ چقدر لطف است؟ چقدر سیّد را دوست می دارند که او را به سینة خود می چسبانند؟  سیّد بحرالعلوم آن قدر به حضرت(ع) نزدیک بوده که از اصحاب سرّ و مخزنِ اسرار آن حضرت بوده است. همة ائمه(ع) اصحاب خاصّ و اصحاب سِرّ داشته اند. در هر زمان عدّه ای بوده اند که روابط خصوصی با ائمّه(ع) داشته اند تا حدّی که صندوقچة سرّ امام می شوند. حالا هم همین طور است. مرحوم حاجی نوری صاحب نجم الثاقب می گوید: «اگر بخواهیم قضایای مرحوم بحرالعلوم(ره) را جمع کنیم،· خودش کتابی می شود». یعنی این قدر ایشان تشرّف داشته اند.  **· انواع تشرّف**  تشّرف انواع و اقسامی دارد. [نوع] اعلای آن،· این است که کسی خدمت امام برسد و همان موقع امام را بشناسد و استفاده بکند. ممکن است خدمت امام برسد آن موقع نشناسد و بعداً با قرائن بشناسد. از این قبیل قضایا زیاد بوده است. ممکن است مشرّف بشود،· حتّی با او رفیق باشد و ارتباط داشته باشد،· رفت و آمد داشته باشد،· هم غذا بشود امّا نفهمد،· نه آن وقت بفهمد و نه بعد بفهمد این بوده است و شده است،· مصلحت نیست بفهمد. ممکن است این بنده تا آن حدّ،· تکامل پیدا نکرده باشد،· ولی داخل مسیر است. و زمینة روحی اش مساعد است. برنامة عملی،· اخلاقی و عبادی اش به گونه ای است که با امام پیوند و ارتباط پیدا کرده و محبوب خدا و اولیای خدا شده است.  **· تشرّف عَنایی،· تشرّف عِنایی**  تشرّف عَنایی،· به این معناست که شخص به حضور ولیّ خدا شرفیاب شود،· امّا از این ملاقات و حضور رنج ببرد و از آنان استفاده نکند. حضور دشمنان دین در محضر اولیاء الله از همین قسم است. طرفین از یکدیگر رنج می برند. این شخص در محضر رسول خدا(ص) یا امام رفته،· ولی دشمن خدا،· رسول خدا و امام است این را « تشرّف عَنایی» می گویند.  عَناء،· رنج و مِحنت است. چنانچه گفته اند: «و من العناء ریاضة الهرم»،· یعنی اگر بخواهی یک فرد پیر را تربیت کنی،· خیلی رنج و زحمت و محنت دارد.  اما «تشّرف عِنایی» این تشرّف،· قرین لطف و رحمت و عنایت مقام ولایت کلیّة الهیّه است. این نوع تشرّف هم اقسامی دارد: رؤیایی،· کشفی،· عینی و شهودی.  تشرّف رؤیایی،· تشرّف در عالم خواب است. تشرّف کشفی همان حالت مکاشفه ای است. بسیاری از تشرّف هایی که در کتاب ها نقل شده از نوع تشرّفِ کشفی [مکاشفه ای] است؛ به همین صورت خدمت امام رسیده اند. این کشفی است،· شهودی نیست. تشرّفِ کشفی بالاتر از تشرّف رؤیایی است. در میان حالت خواب و بیداری،· حالتی پیدا می شود که در آن حالت تشرّف حاصل می گردد. این نوع تشرّف برای آنهایی که مقداری تصفیه و تزکیة اخلاقی کرده اند،· زیاد اتفاق می افتد.  بهترین نوع تشرّف «تشرّف شهودی» است که در عالم خارج خدمت حضرت می رسند اگر یک لحظه این توفیق نصیب کسی شود،· خدا می داند چقدر ارزش دارد. اگر انسان از بابِ عنایت،· لطف و رحمتِ مقام ولایتِ کلیّة الهیه قابلیت پیدا کند،· یک لحظه تشرّف پیدا کند و در همان یک لحظه مشمولِ عنایتِ خاصة حجّتِ وقت قرار گیرد. همان یک لحظه برای همیشه کارساز است. آن لحظه ممکن است به اندازة صد سال برای تکامل انسان ارزش داشته باشد؛ یک شبه ره صد ساله را پیموده است. با همین یک لحظه سیر استکمالی انسانی اش به اوج می رسد. البته این نوع از تشرّف کم،· پیش می آید و بیشتر تشرّف ها کشفی است. تشرّف کشفی و رؤیایی هم گاهی مُشتبه می شود [شخص] تشرّف رؤیایی داشته،· خیال می کند تشرّف کشفی است یا تشرّف کشفی داشته،· خیال می کند تشرّف رؤیایی است.  بهترین نوع تشرّف همان تشرّف عنِایی عینیِ شهودی است که از خدا می خواهیم نصیب همه بفرماید.  **از امام زمان(عج) چه بخواهیم؟**  قصه هایی هست از تشرّفات افرادی که فکرشان کوتاه بوده و از امام پول،· زن،· سلامتی و امثال آن را می خواسته اند. اینها همه خوب است. ولی چرا انسان از حضرت آن چیزی را که خود آن حضرت از خدا می خواهد طلب نکند؟ به همین دعای حضرت در ماه رجب توجّه کنید،· حقیقتاً برای ما آموزنده است،· ما هم همین ها را از خدا بخواهیم «و احتم لی فی قضائک خیر ما حتمت؛ از قضاهای خودت،· بهترینش را برای من تقدیر فرما».  «و اختم لی بالسعادة فیمن ختمت؛ مرا از کسانی قرار بده که امرشان را در این ماه به سعادت ختم می فرمایی». «و احینی ما أحییتنی موفوراً و أمتنی مسروراً و مغفوراً؛ زنده ام بدار در حالی که از الطاف و رحمت هایت،· حظّی وافر داشته ام و بمیرانم در حالی که مسرور و آمرزیده باشم». «واجعل لی إلی رضوانک وجنانک مصیراً؛7 برایم راهی به بهشت و رضوان خودت مقرّر فرما».  او رضوان و رضای خدا را می طلبد. ما هم همین ها را بطلبیم که هیچ چیز بالاتر از رضای خدا و بالاتر از محبّت خدا و اولیای خدا وجود ندارد.  از امام زمان(ع) بخواهیم که برایمان استغفار کند.یکی از چیزهایی که خیلی مهم است،· استغفار است. استفغار،· پوشانندة سیّئات است. اگر طلبِ مغفرت جدّی باشد منجر به مغفرت می شود. یک وقت انسان خودش استغفار می کند،· یک وقت دیگران برایش استغفار می کنند،· رفقا برایش استغفار می کنند،· آن هم مؤثر است امّا راه سومی هم وجود دارد که بهتر از دو راه قبلی است و آن این است که انسان به حجّت وقت متوسّل شود و از آن حضرت بخواهی که یابن رسول الله! شما برایم طلب مغفرت کنید. من این مطلب را از این آیه شریفه می گویم:  و لو انّهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توّاباً رحیماً.8  اگر آنان وقتی که به خود ستم کردند،· پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می کرد،· قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.  خداوند به پیامبرش می فرماید اگر اینها که خلاف کرده اند،· پیش تو می آمدند و از من طلب مغفرت می کردند،· تو هم برایشان استغفار می کردی ـ اگر این دو استغفار با هم ضمیمه می شد ـ آن وقت « لوجدوا الله توّاباً رحیماً» نمی فرماید: «یغفرالله لهم» یعنی خدا ایشان را می آمرزید،· بلکه می فرماید: «لوجدوا الله توّاباً رحیماً» تعبیر بسیار جالبی است. یعنی در صورت استغفار خودشان و استغفار رسول خدا،· در وجودشان می فهمیدند و می یافتند و درک می کردند که خدا آنها را آمرزیده است. یعنی در آن صورت غفوریّت و رحمانیت خدا را درک می کردند.  خوب،· آن وقت،· حجّت خدا،· رسول الله(ص) بود و حالا حجّت وقت،· امام زمان(ع) است. به خدا قسم اگر ما از امام زمان(ع) بخواهیم برایمان استغفار خواهند کرد. در ساحتِ مقدّس اینها بخل راه ندارد. امام زمان(ع) خلیفة خداست،· مظهر تامّة حق است،· اسم اعظم خدا،· الان امام زمان است. اگر جدّاً بخواهیم،· حضرت دعا می کنند،· طلب مغفرت می کنند آن گاه انسان،· غفوریّت و رحمانیّت خدا را لمس می کند.  برادران یوسف،· بعد از آزار یوسف(ع)،· وقتی متوجه شدند بدکاری کرده اند،· پشیمان شدند و از پدر خواستند که «یا ابانا استغفرلنا ذنوبنا...»9 گفتند: پدرجان! تو پیش خدا وجیه هستی،· رسول و پیغمبر خدا هستی،· پیش خدا آبرو داری،· ما گناهکاریم پشیمانیم،· از تو می خواهیم که برایمان طلب مغفرت نمایی،· یعقوب(ع) هم پذیرفت. ما هم از پدر حقیقی خود بخواهیم که او برایمان طلب مغفرت کند. یعنی از امام زمان(ع) درخواست کنیم که بعد از توبة حقیقی،· برای ما طلب مغفرت کند زیرا او «وجیه عندالله» است. او محمود خداست،· او ولیّ خداست،· او همه کارة عالم است این توبه اگر با آن لطفِ مغفرت توأم شود قطعاً کارساز خواهد بود.  الان هم رسول خدا زنده است،· باید از رسول خدا بخواهیم،· از امام زمان بخواهیم و عرض کنیم: یابن رسول الله! ای عزیز فاطمه(س)! تو می دانی ما بیچاره هستیم و پناهی نداریم،· یکی از القاب شما «غوث» است. یعنی پناه بی پناهان! شما پدر حقیقی ما هستید. ما بچه های بدی هستیم ولی شما پدر خوبی هستید،· ما نوکرهای بدی هستیم،· اما شما خوب آقایی هستید. ما کجا برویم،· به چه کسی بگوییم و به که پناه ببریم؟ ما شما را دوست داریم و تو از قلب ما خبر داری،· در زیارت دارد «و لی حقّ موالاتی» دوستی،· حق می آورد،· ما حقِّ موالات داریم. به شما امید داریم و از شما می خواهیم که شما به ما تصدّق کنید. که خدا صدقه کنندگان را جزای خیر می دهد. دست گدایی ما به سوی شما دراز است.  **· امام حسین(ع)،· باب الحجة**  یکی از مستحبّاتی که در راه استکمال نفس خیلی مؤثر است،· زیارت سیّدالشهدا(ع) است. زیرا امام حسین(ع) «باب الحجّه» است. یعنی اگر کسی خواست با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کند باید از در حسین(ع) وارد شود،· زیارت آن حضرت خیلی مهم است. از دور زیارت کردن را نباید غفلت کرد،· از دور سلام بدهیم و عرض ادب بکنیم.  گر چه دوریم به یاد تو سخن می گوییم  بُعد منزل نبوَد در سفر روحانی10  زیارت،· راه کمال را هموار می کند،· خوب است آدم برنامه ای برای خودش تنظیم کند و زیارت امام حسین(ع) را بخواند. شبانه روزی نگذرد که دست کم یک سلام به امام حسین(ع) ندهیم. من این نکته را به عنوان یادگاری عرض می کنم،· تا هر وقت یادتان آمد برایم طلب آمرزش کنید. امام حسین(ع) «بابُ الله» است و انسان باید در طول شبانه روز ولو یک مرتبه،· ولو با یک سلام آن حضرت را زیارت کند.  چرا در شب نیمه شعبان،· شب ولادت امام زمان(ع)،· تنها زیارت امام حسین(ع) وارد شده و نگفته اند که اشخاص به زیارت سایر ائمه(ع) بروند. نکته اش این است که امام زمان(ع) طالب دَم (= خونخواه)،· طالب ثارات،· و منتقِم است. شاید نکته اش این باشد که دوستان و شیعیان حضرت،· خدمت امام حسین(ع) برسند و به آن حضرت عرض کنند: یابن رسول الله! چشم شما روشن،· طالب خون و منتقم شما آمد.  **پی نوشت ها:**  1. به نقل از مقدّمه شوق وصال، آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، به اهتمام دکتر حامد ناجی اصفهانی، نشر مؤسسه فرهنگی صاحب الامر(ع).  2. سفید آبیان، حمید، لاله ای از ملکوت، نشر کمال الملک، ص 377.  3. سورة اعراف(7)، آیات 197 ـ 196.  4. کلینی، کافی، ج 1، ص 219؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 17، ص 131.  5. اشاره به قسمتی از آخر دعای ندبه.  6. علامه مجلسی، همان، ج 53، ص 236؛ حاجی نوری، نجم الثاقب، ص 614.  7. علامه مجلسی، همان، ج 95، ص 391، هم چنین مفاتیح الجنان، ص 278، کتاب فروشی علمی (از دعاهای ماه رجب).  8. سورة نساء(4)، آیة 64.  9. سورة یوسف(12)، آیة 97. |